

## سروده‌های حکیم میرفندرسکی

ایرج داداشی\*

فرهنگ مظفر\*\*

### چکیده

نام میرفندرسکی بیشتر یادآور قصیده یائیه اوست که شهره است و شارحانی، چند شرح بر آن نگاشته و شاعرانی آن را تخمیس و گاه تضمین کرده‌اند. به دلیل شهرت میرفندرسکی، گاهی ابیات، قطعات، قصاید و رباعیاتی به وی نسبت داده شده است، که به وضوح معلوم است از او نیست. گاهی از سر ذوق و علاقه ابیاتی از شعرای مختلف را حسب حال خود در حواشی کتب و رساله‌ها نگاشته و متأخرین گمان برده‌اند که سروده‌های وی است. برخی از این ابیات به طور مشخص به شعرای دیگر تعلق دارد و شاعر بعضی از این ابیات نیز ناشناخته است و انتساب این اشعار به میرفندرسکی نیاز به تحقیق دارد.

در این پژوهش، ضمن احصای کتاب‌شناختی منابعی که، حاوی اشعاری - به جز قصیده یائیه- از میرفندرسکی، یا منسوب به اوست، کوشش شده تا با اتکای به مضامین مربوط به زندگی و اندیشه میرفندرسکی و با استقصایی ژرف در میان نسخ خطی، ابیاتی پراکنده از سروده‌های میرفندرسکی معرفی شود؛ که هم از حیث شعر، واجد کیفیت است و هم از حیث مضمون، و هم حالات شاعر را در هنگام سرایش آنها به ویژه در هند و ایران به خوبی بیان کند. این سروده‌های نویافته که برای نخستین بار است معرفی، تصحیح و تدوین می‌شود، بی‌تردید مرز دانش ما را در مطالعات درباره دوره صفویه و زندگانی حکیم میرفندرسکی گسترش می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** میرفندرسکی، قصیده شکوائیه، قصیده کیمیایی، غزل

میرفندرسکی، صفویه.

---

\* دانشجوی دکتری دانشگاه هنر اصفهان و عضو هیأت علمی گروه پژوهش هنر دانشگاه هنر تهران.  
رایانامه: dadashi@art.ac.ir

\*\* دانشیار دانشگاه علم و صنعت و رئیس دانشگاه هنر اصفهان. رایانامه: f.mozaffar@ae.ac.ir  
شایسته است به محضر استاد دکتر غلامرضا اعوانی، رئیس معزز انجمن بین المللی فلسفه اسلامی، که در تمامی مراحل پژوهش با راهنمایی، ارشاد و هدایت علمی، موجب تحقق این تحقیق شدند، نهایت امتنان خویش را ابراز کنم.  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۴

### مقدمه

لازمهٔ تتبع درباره منش، اندیشه و زندگی یک دانشمند، دیدن و شناخت آثار اوست. میرابوالقاسم استرآبادی فندرسکی (۱۰۴۹-۹۶۹ ه.ق)، حکیم، عالم، فقیه، فیلسوف، کیمیاگر، ریاضی‌دان، موسیقی‌دان و شاعر، یا به عبارتی دانشمند جامع‌الاطراف قرون دهم و یازدهم هجری قمری که در پایان دوره حکومت شاه عباس اول و در آغاز دوره شاه صفی اول، در اصفهان و هند به افاده حکمت و افاضه علم می‌پرداخت و در نهایت در اصفهان ساکن و در سال ۱۰۴۹ ه.ق - و به روایتی در ۱۰۵۰ ه.ق - پس از ۸۰ سال عمر پربرکت و سرشار از کوشش دانشورانه، به ملکوت اعلی عارج گشت. پیکر پرفروغ وی در تکیه‌ای در آرامگاه تخت فولاد اصفهان غنوده، که به نام خودش مشهور است.

یاد میرفندرسکی معمولاً مصادف است با قصیدهٔ یائیه او، با مطلع: «چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی».

گرایش میرفندرسکی به اتخاذ رویکردی منطقی در بیشتر آثارش و تمایلی خاص به حوزه تفکر ابن‌سینا شاید بتواند بهانهٔ او برای تجربه کردن شعر به عنوان یکی از صناعات خمس یا صناعات منطقی باشد. مناقشه بر سر تعلق میرفندرسکی به حوزه تفکر مشائی یا ارسطویی و تفکر اشراقی یا افلاطونی و عارف بودن یا نبودن او، به نظر مناقشه‌ای بی‌حاصل می‌آید. زیرا یک حکیم هیچ‌گاه در چهارچوب بستهٔ یک دستگاه فکری، منجمد نمی‌شود و بیش از آنکه مدیون گرایش‌ها باشد، دل‌سپردهٔ حقیقت است؛ و به جای آنکه به رنگ مشارب، مسالک و مذاهب درآید، در اندیشهٔ رهیدن است ز هر چیزی که رنگ تعلق بپذیرد. ثانیاً، با توجه به درآمیختن بدون تعمد نگرش عرفانی افلوطین با رویکرد ارسطویی در فلسفهٔ موسوم به مشاء، به دشواری می‌توان از یک رویکرد ارسطویی صرف در فلسفه اسلامی، سخن به میان آورد؛ مگر اینکه بخواهیم لجوجانه بر باور یا این یا آن (alternativism) تصنعی خود اصرار بورزیم. این بدان معناست که احتمالاً رویکرد افلاطونی به شعر و اعتقاد به مبادی وحیانی و الهامی شعر، اگر نه به تساوی، بل که بیشتر باید در نظر گرفته شود. میرفندرسکی در آیینة قصاید و غزل‌ها و رباعی‌هایش، دیگر آن فیلسوف خشک

منطقی نیست. او نیز همانند هر شاعر دیگر، صاحب روحی لطیف و خیالی سرشار و ظرافت‌های طبع یک عاشق رند است.

در بیشتر تذکره‌های شعرا از دوره صفویه تا کنون، که در آن یادی از میرفندرسکی شده است، می‌توان یک یا چند سروده از اشعار او را یافت. لیکن این کار، صرفاً برای معرفی ذوق شاعری میرفندرسکی بوده است، نه تحلیل اشعار برای بهتر فهمیدن وضعیت او. کهن‌ترین این منابع *عرفات العاشقین و عرصات العارفین* اثر تقی‌الدین محمد اوحدی حسینی دقاقی بلیانی (۱۰۴۰-۹۷۳ ه.ق) است، که معاصر میرابوالقاسم فندرسکی بوده و در آن کتاب از معیت‌اش با میر، در نخستین سفر او به هندوستان یاد،<sup>۱</sup> و در پایان ذکر جمیل وی، قصیده شکوائیه و ابیاتی پراکنده از غزل‌ها و دیگر سروده‌های میر را نقل می‌کند.

نیسان ذر پاک‌نژادی، عمان گوهر صافی‌نهادی، محیط بسیط علم و ایادی، میرزا ابوالقاسم استرآبادی، سیدی است در غایت ادراک و نهایت فهم، جامع منقول و معقول، حاوی فروع و اصول، مالک مشاهده، صاحب مطالعه، به اکثر علوم و یکسر رسوم دررسیده، عقود غوامض مشکلات را حل کرده، معضلات را زیر دست درآورده. مولدش فندرسک است. در بدایت حال از تلامذه عالمی چلبی بیگ تبریزی بود و بعد از وی نیز کسب بسیار نزد اشراف در دانش و بینش نموده، به ذوق معارف فی‌الجمله دررسیده، مکرراً به جانب هند آمده. نوبت اول به اتفاق آمدیم. بعد از رسیدن، به حسب اتفاق میرزا جعفر آصف‌خان،<sup>۲</sup> او را رعایت<sup>۳</sup> نموده و به عراق فرستاد و بنده در گجرات بودم که وی از عراق باز به گجرات آمد [و] از آنجا متوجه دکن شد. اگر چه رتبه سخنش در خور فضیلت نیست، از بسیاری شعرا بهتر و پیشتر است و در این ازمه نیز به هند آمده، باز به عراق مراجعت نموده و باز در هند است (اوحدی بلیانی ۱، ۱۳۸۹: ۵۷۶؛ اوحدی بلیانی ۱، ۱۳۸۸: ۵۵۴-۵۵۳).

بلیانی، سخن میر را بر شعرای بزرگ تفضیل نمی‌دهد، اما او را از بسیاری شعرا بهتر و پیشتر دانسته است. با توجه به اینکه بلیانی خود شاعر است و دیوان قابل اعتنایی دارد، باید این سنجش او را، سنجشی شاعرانه و نقدی ادبی تلقی کرد. در

ریاض الشعرا آمده: «حضرت میر را در سخنوری نیز دستگاه عالی بوده» است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۸۲). در واقع این سخن او به عنوان یک ادیب، و گزارشگر تذکره شعرا، دلالت بر این دارد که میرفندرسکی سخنوری است عالی مقام.

ملک شاه‌حسین بن ملک غیاث‌الدین سیستانی (پس از ۱۰۳۸-۹۷۸ هـ ق) در تذکره خیرالبیان، که آن را به سال ۱۰۳۸ هـ ق تألیف کرده است، با ذکر ابیاتی از میرفندرسکی می‌گوید: «میرابوالقاسم، استرآبادی است و در مهارت عقلی و نقلی مرتبه عالی دارد، خصوصاً در علم حکمت و ریاضی مشهور و معروف است ... با وجود شغل مطالعه، فکر شعر نیز می‌کند...» (سیستانی، مجلس ۹۲۳: ۳۶۲). با وجود آنکه خیرالبیان در زمان حیات میرفندرسکی نگاشته شده است، اما در نقل سروده‌های او دقت کافی نداشته است. با توجه به محتوای خیرالبیان، می‌توان پی برد که منبع اصلی آن، کتاب عرفات العاشقین بلیانی است.

میرابوالمفاخر بن فضل‌الله الحسینی شیرازی (پس از ۱۰۷۸-۹۸۸ هـ ق)، نیز همانند بلیانی معاصر با میرفندرسکی بوده، اما در جنگی که در سال ۱۰۳۱ هـ ق گردآورده، ابیاتی از غزل‌ها، رباعیات، مفردات و سروده‌های میرفندرسکی را در یک صفحه به خط خود نگاشته است.

بندرا بن داس خوشگو (۱۱۷۰-۱۰۷۸ هـ ق) در سفینه خوشگو، گزیده‌ای از اشعار میرفندرسکی را ذکر کرده و در اصل سه بیت از قصیده یائیه و برخی از سروده‌های دیگر را آورده بود، اما در شوشتری<sup>۴</sup> در بازنویسی این سفینه ۳۹ بیت از قصیده را که نزد وی بوده، به همراه شرح کوتاهی از محمد صالح خلخالی نقل کرده و بر آن ابیات، افزوده است (خوشگو، ۱۳۸۹: ۹۱-۸۹).

در آتشکده آذر اثر لطفعلی بن آقاخان آذر بیگدلی (۱۱۹۵-۱۱۳۴ هـ ق) آمده است که: میرفندرسکی «گاهی شعر می‌گفته، ... چند بیت از آن که موافق قواعد شاعری حسن تمام داشت، انتخاب و در این سفینه ثبت گردید...» (بیگدلی شاملو آذر، ۱۳۳۸: ۷۹۷-۷۹۲). هدایت در پایان مجلد هشتم روضه الصفای ناصری آورده است: «آن جناب در هنگام فراغت گاهی به سخنان منظوم از قبیل قصاید محققانه و غزلیات عاشقانه می‌پرداخته ...» (هدایت ۸، ۱۲۷۰ هـ ق: ۱۲۰).

### سروده‌های منسوب به میرفندرسکی

در یکی از مقالات نشریه مشکوة، ابیاتی را که به صراحت از آن محوی استرآبادی است، به میرفندرسکی نسبت داده شده است. (نک: گواهی میرفندرسکی، ۱۳۶۹: ۷۱). محمدباقر استرآبادی که به محوی تخلص می‌کرد، همانند میرفندرسکی در علوم نقلی و عقلی سرآمد بود. محوی معاصر رضاقلیخان هدایت مؤلف ریاض العارفین است. وی پس از ریاضات بسیار در نهایت به کسوت زهد و صلاح درآمده و از مریدان حاج محمدحسن نائینی گردید.<sup>۵</sup> محوی در آخر عمر در شیراز سکونت داشت و در آنجا وفات یافته است. ظاهراً این شباهت موجب شده که او را به جای میرفندرسکی بگیرند و سروده‌های او را به میر نسبت دهند (نک: هدایت، ۱۳۸۱: ۵۸۵).

علی محمد بن احمد همدانی در زیارة المتخبین یا جنگ اشعار، شماره نسخه ۱۳۵۷۸، موزه، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، که در قرن ۱۳ هـ ق نگاشته شده است، قصیده معروف طنطنانیه را، با مطلع: «یا خلی البال قد بلبلت باللبال بال/ با النوی زلزلتنی و العقل فی الزلزال زال» به میرفندرسکی نسبت داده که قطعاً خطا است (همدانی، ۱۳۵۷۸ مجلس: ۸۷ پ).

همچنین در نسخه شماره ۳۰۹۱/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، با عنوان نظم الالکی فی تجوید کلام الله المتعالی که در واقع از آن ابوالقاسم قاری از علمای قرن یازدهم هجری قمری است، آمده است: «... رساله تجوید از تصنیفات جناب سیدابوالقاسم استرآبادی رحمة الله علیه...». این انتساب با توجه به شناخته بودن مؤلف نظم الالکی در سایر نسخه‌های این رساله، بی‌تردید باطل است.

### روش‌شناسی گردآوری اشعار

نخستین گام محقق در این مسیر، شناسایی اشعار و سروده‌ها، بر اساس اطلاعات نسخه‌شناسی در فهرس نسخ خطی است. کثرت این فهرست‌ها که به تنهایی به اندازه گنجایش یک کتابخانه معظم است، آن هم بدون وجود یک فهرست اعلام در انتهای هر مجلد، که لزوم مطالعه و جستجوی برگ برگ این فهرست‌ها را ایجاد می‌کند، کار آسانی نیست. اثر سترگ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران با نام

اختصاری «فنخا» که توسط مصطفی درایتی صورت گرفته، هنوز به فرجام نرسیده و حین التحریر ۳۸ جلد آن به تدریج در دسترس قرار گرفت، که همگی صفحات مجلدات آن، سطر به سطر ملاحظه شده است. همچنین تمامی مجلدات فهرست دست‌نوشته‌های ایران با نام اختصاری «دنا» نیز مطالعه و ملاحظه شده است. اما به دلیل گستردگی کار این مجموعه‌ها معمولاً خطاهایی در درج نام‌ها، تاریخ‌ها و حتی شماره ثبت نسخ خطی یافت شد.

به همین دلیل و ناگزیر بخش مهمی از اصل فهرست‌ها همانند نشریه نسخ خطی دانشگاه تهران، و فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، و فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران و بعضاً فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی و فهرست منخطوط آستان قدس رضوی نیز بازنگری شد و موارد اختلاف اصلاح گردید.

دومین گام تهیه تصویری خوانا از نسخه‌های مذکور و تطبیق با فهرست‌هاست. در مراجعه مستقیم به کتابخانه‌ها و در حین جستجو در میان نسخ خطی مربوط به دوره صفویه و مطالعه آنها در کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی، ملی، دانشگاه تهران، مرعشی، آستان قدس رضوی، و گلیپایگانی، نیز آثاری شناسایی شد، که حاوی سروده‌ها و تصانیف میرفندرسکی بود؛ ولی در فهرست‌ها یادی از آنها نشده بود و برخی از نسخه‌ها هم که مطابق فهرست‌ها، محتوی سروده‌های میرفندرسکی دانسته شده بود، در واقع فاقد هرگونه سروده‌ای از او بود.<sup>۶</sup>

سومین گام شناسایی مجموعه‌های خصوصی و نسخ خطی فهرست نشده‌ای است که در دست مجموعه‌داران یا مالکین و ورثات این نسخ قرار دارد. این گام به دلیل ناشناختگی جامعه مورد مطالعه و پراکندگی و ناهمگنی آن و نیز عدم همکاری صاحبان این نسخ، یا مطالبه هزینه‌های هنگفت، تا مرز امتناع تحقیق نیز پیش رفت. در گام نهایی اشعار استنساخ و موارد مشابه در ذیل یک عنوان واحد قرار گرفته و تصحیح شده است. در مفردات و رباعی و غزل گاهی تنها یک نسخه یافت شده است.

جدول ۱: گزیده فهرست نسخ حاوی سایر سروده‌های میرفندرسکی (به جز قصیده یائیه)

ردیف	شماره نسخه	کتابخانه	تاریخ کتابت (ق. ه.)	کاتب	بعد زمانی سال	تهیه
۱	۴۴۸۰	دانشگاه تهران	قرن ۱۰ و ۱۱	(عرفات العاشقین)، ناشناخته	زمان حیات	
۲	۵۳۲۴	ملک	قرن ۱۱	(عرفات العاشقین)، ناشناخته	زمان حیات	
۳	۸۵۳۶	مجلس	۱۰۳۱ تا ۱۰۴۹	ابوالمفاخر بن فضل الله حسینی شیرازی	زمان حیات	+
۴	۱۹۱۴۷	ملی	ناشناخته	میرابوالقاسم فندرسکی	زمان حیات	+
۵	۱۶۵۲۰	ملی	ناشناخته	میرابوالقاسم فندرسکی	زمان حیات	+
۶	۸۳۴۴	ملی	۱۰۷۴	صدرالدین محمد حسینی	۲۵	+
۷	۹۲۳	مجلس	۱۰۷۸	مولا ابوالقاسم بن مولا مهرعلی	۲۹	+
۸	۳۰۱۶	مجلس	۱۰۸۶	(تذکره نصرایادی) ملا ابوالقاسم بن مهرعلی	۳۷	+
۹	۹۰۰۴/۲۶	مجلس	۱۱	ناشناخته	ناشناخته	+
۱۰	۷۵۳۶	دانشگاه تهران	۱۱ و ۱۲	ناشناخته	ناشناخته	+
۱۱	۱۳۷۷	مجلس	۱۱۱۴	ناشناخته	۶۵	+
۱۲	۴۶۱۴/۱	دانشگاه تهران	۱۲	محمد شفیق بن بهاء الدین محمد حسینی	ناشناخته	+
۱۳	۳۸۹ سنا	مجلس	۱۱۳۲	محمد تقی بن محمد هادی مازندرانی	۸۳	+
۱۴	۱۴۶۶۸	ملی	۱۲۰۷	(اتشکده) سید میرزا ابن سید علی الاصفهانی	۱۵۸	+
۱۵	۶۲۹ طباطبایی	مجلس	۱۲۸۴ تا ۱۳۱۸	طباطبایی	۱۳۵ تا ۲۶۹	+
۱۶	۵۰۸	مجلس	۱۳	ناشناخته	ناشناخته	+
۱۷	۱۰۶۹۸	دانشگاه تهران	۱۳	ناشناخته	ناشناخته	+
۱۸	۱۷۱	ابراهیم دهگان	۱۳۱۰	رضا بن علیمحمد جاملقی بروجردی	ناشناخته	-
۱۹	۳۷۷۸	دانشگاه تهران	۱۳۴۱	(قصیده کیمیایی) ملا محمد کفش دار	۲۶۱	+
۲۰	۴۹۴۸	مجلس	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۲۱	۱۸۲۱۲	ملی	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۲۲	۱۵۰۵۹	مجلس	قرن ۱۳	(ریاض العارفین) ناشناخته	ناشناخته	+
۲۳	۱۶۳۴۶	مجلس	۱۳۷۷	رجبعلی بن عبدالله صراف	۲۲۸	+
۲۴	۱۲۶۳۲	مرعشی	اواخر قرن ۱۲	بهایی بن احمد عاملی	ناشناخته	+
۲۵	۸۶۷۹	مرعشی	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۲۶	۱۵۶۵۲	مجلس	۱۲۳۲	اسماعیل بن یحیی مازندرانی	۱۸۳	+
۲۷	۱۵۳ س س	مجلس	۱۲۹۲	احمد بن محمد جعفر الخوانساری	۲۴۳	+
۲۸	۱۳۰۶	مجلس	ناشناخته	ابوطالب تبریزی اصفهانی	ناشناخته	+
۲۹	۱۲۶۴۶	ملی	۱۰۰۶	نظام الدین بانی بقی	زمان حیات	+
۳۰	۷۲۴۳	مجلس	۱۰۹۰	جمشید من جمله محمد زمان خان جیادار	۴۱	+
۳۱	۲۵۶۷	ملک	۱۲۱۰	ناشناخته	۱۶۱	+
۳۲	۳۰۳۵	مجلس	۱۲۵۰	سید عظیم الله ولد بهمن	۲۰۱	+
۳۳	۴۰۵۷	ملک	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۳۴	۱ س	مجلس	۱۰۳۱	دوست محمد هروی	زمان حیات	+
۳۵	۴۶۸۹	مجلس	۱۰۳۲	(فرهنگ جهانگیری) محمد مؤمن	زمان حیات	+

جدول شماره ۲: نسخه‌هایی حاوی اشعار منسوب به میرفندرسکی

۱	۳۹۰۱	دانشگاه تهران	قرن ۱۲	عبدالخالق خراسانی	+
۲	۱۳۵۷۸	مجلس	قرن ۱۴	علیمحمد بن احمد الهمدانی	+

جدول شماره ۳: نسخه‌هایی، که به خطا، در فهرست‌ها حاوی اشعار دانسته شده‌اند

۱	۱۶۳ ط	مجلس	قرن ۱۳	طباطبایی	ناشناخته	+
---	-------	------	--------	----------	----------	---

جدول شماره ۴: منابع منتشر شده از سروده‌های میرفندرسکی

ردیف	نام کتاب	نوع نشر	تاریخ حیات مؤلف (ه ق)	نام مؤلف	بعد زمانی	محتوی
الف	عرفات العاشقین	چاپ	۹۷۳ - ۱۰۴۰	تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی	زمان حیات میر	سروده‌ها
ب	تذکره نصرآبادی	چاپ	۱۰۲۷ - ۱۰۸۳	محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی	بعد از وفات	سروده‌ها
ج	سفینه خوشگو	چاپ	۱۰۷۸ - ۱۱۷۰	بندرا بن داس	بعد از وفات	سروده‌ها
د	آتشکده اذر	چاپ	۱۱۳۴ - ۱۱۹۵	لطفعلی بیگ بیگدلی شاملو	متأخر	سروده‌ها
ه	خلاصه الافکار	چاپ	۱۲۲۰ - ۱۱۶۶	ابوطالب تبریزی اصفهانی لکهنویی	متأخر	سروده‌ها
و	ریاض‌العارفین	چاپ	۱۲۱۵ - ۱۲۸۱	رضاقلی خان بن محمد هادی نوری (هدایت)	متأخر	سروده‌ها
ز	مجمع الفصحا	چاپ	۱۲۱۵ - ۱۲۸۱	رضاقلی خان بن محمد هادی نوری (هدایت)	متأخر	سروده‌ها
ح	روضه الصفا ناصری	سنگی	۱۲۱۵ - ۱۲۸۱	رضاقلی خان بن محمد هادی نوری (هدایت)	متأخر	سروده‌ها
ط	ریحانة الادب	چاپ	۱۲۹۶ - ۱۳۷۳	محمدعلی مدرس	متأخر	سروده‌ها
ی	کاروان هند	چاپ	۱۳۷۹ - ۱۲۹۵ شمسی	احمد گلچین معانی	متأخر	سروده‌ها
ک	ریاض‌الشعرا	چاپ	۱۱۷۰ - ۱۱۲۴	علیق‌لی خان واله داغستانی	متأخر	سروده‌ها

### روش تصحیح

در این تصحیح با اساس قرار دادن نسخه اقدم - از حیث تاریخ نگارش - تفاوت روایت نسخه‌های دیگر به ترتیب تاریخ نسخه‌ها در پانویس ذکر شده است. گاه به دلیل ناخوانایی، یا ثقل وزن عارض شده ناشی از تصحیف<sup>۱</sup> کلمه، و ناهماهنگی املائی کلمات، در مصراع‌ها و ابیات نسخه اساس، معنای بیت یا شاکله شعری آن دچار آسیب بود. در این مورد چنانچه نسخ دیگر که احتمالاً برای استنساخ به نسخه صحیح‌تری دسترسی داشته‌اند، که کلمه به شکل بهتری در آن ضبط شده بود، اعتماد شد و آن کلمه صحیح، انتخاب و جایگزین گردید. اگر کلمه‌ای در اکثر نسخ متفقاً به نظر موزون‌تر و صحیح‌تر به نظر آمده، آن را به جای اساس قرار داده و تفاوت اساس با آنها در پانویس ذکر شده است. در غیر این صورت، محقق کماکان به نسخه اساس وفادار مانده است. چنانچه از کتاب یا رساله مذکور فقط یک نسخه وجود داشت، سعی شد با قرائت صحیح و دقیق و بر اساس قرائن معنایی، آن نسخه ثبت و

۱. تصحیف: خطا در نوشته (دهخدا)



بازنویسی شود. در این وضعیت هر جا املائی نسخه اساس با رسم الخط مصوب تفاوت داشت، املائی اولیه نسخه در پانویس ذکر شده است.

باید یادآور شد که بر اساس وفاداری به اصالت معنا، تفاوت رسم الخط به جز در چند عبارت که خوانش آنها را متفاوت نشان می‌داد، در اکثر موارد مهم انگاشته نشده است. زیرا اگر این گونه عمل نمی‌شد، پانویس مقاله سرشار از درج تفاوت‌های نگارشی می‌گردید. همچنین بر اساس رسم الخط قدیم، کاتبان اغلب حرف «گ»، «پ»، «ج» و «ژ» را «ک»، «ب»، «ج» و «ز» نگاشته‌اند. لذا فقط مطابق تلفظ امروزی کلمات می‌توان میان این حروف فرق گذاشت. در برخی کلمات کاتب نقطه نگذاشته است و بر اساس شکل کلمه و فحوای جمله و قرائن معنایی می‌توان حدس زد که در اصل چه بوده است. اتصال کلمات که در نگارش قدیم رسم بوده، طبق رسم الخط جدید، تصحیح و برای نگارش متن اشعار، از رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده شده است.

تفاوت ترتیب ذکر ابیات و احياناً افتادگی برخی ابیات در برخی نسخه‌ها نیز در پانویس آورده و کاستی کلمه، مصرع یا بیت با علامت - و افزودگی‌ها با علامت + نشان داده شده است.

### رمز نسخه‌ها

در نسخه‌های خطی: کلمه «نخ» و شماره ردیف نسخه در جدول شماره ۱؛ همانند: «نخ ۳»، یعنی نسخه سوم از فهرست و در نسخه‌های چاپی که بر اساس حروف الفبا مرتب شده‌اند، ردیف کتاب از «الف» تا «ک» تعیین شده است.

### قصیده شکوائیه

قصیده پر شکوه و شکایتی از میرابوالقاسم فندرسکی در کتاب *عرفات العاشقین و عرصات العارفین* توسط تقی‌الدین اوحدی بلیانی نقل شده است. احمد گلچین معانی نیز در کتاب *کاروان هند* آن را عیناً و گاه با اندکی تفاوت نقل نموده است. شاید بتوانیم بگوییم که این قصیده وضعیت میر را در جامعه آن زمان و به خصوص دربار صفویه نشان می‌دهد و به خوبی دلیل هجرت او به هند را توضیح می‌دهد. این

قصیده را از دو تصحیح و چاپ اخیر کتاب *عرفات العاشقین و عرصات العارفین* اوحدی بلیانی و مقایسه با کاروان هند استاد معانی نقل می‌کنیم:

۱	چو جهل نیست مرء، یار روزگار نشد <sup>۸</sup>	ز روزگار ننالم که جهل، یار نشد <sup>۹</sup>
۲	چو استوار باستاد لشکر دانش <sup>۱۰</sup>	دگر سپاه طرب پایش استوار نشد <sup>۱۱</sup>
۳	چو من بر اسب امید از خرد سوار شدم	دگر امید پیاده شد و سوار نشد
۴	چو در شمار ملایک درآمدم از علم	ز روز شادی بینان، <sup>۱۲</sup> مرا شمار نشد
۵	دمی به کام دلم از دلم برون نامد	که گردگرد تنم آتشین حصار نشد
۶	مرا زمانه بد مهر یک دم آب نداد	که در رگ و پی من، آه من شرار نشد
۷	ز روزگار بلایی که جمع شد به سرم	یکی از آن همه در جمله <sup>۱۳</sup> روزگار نشد
۸	کدام عقده به فکرت زچرخ بگشادم؟	که از سپهر، بلا بر سرم نثار نشد
۹	کدام روز که خورشید روسیاه نبود؟	کدام باده که کیفیتش خمار نشد؟
۱۰	کدام شادی کو خود غم بزرگ نبود؟	کدام خنده کز اندوه باردار نشد؟
۱۱	کدام روی که ابر بلا نشد بر من؟	کدام خوی که شمشیر آبدار نشد؟
۱۲	کدام غم که چو دشمن نیامدم بر سر؟	کدام شادی چون دوست برکنار نشد؟
۱۳	کدام روز که بر من حصار نای نگشت؟	کدام جای که بر من دهان مار نشد؟
۱۴	کدام غصه که از دل به سوی مغز نرفت؟	چو رفت در سر من، مار مغزخوار نشد
۱۵	کدام ظلم که از هر کسی به من نرسید؟	کدام حیف که بر من به دهر بار <sup>۱۴</sup> نشد؟
۱۶	کدام لحظه ز مرگم اشارتی نرسید؟	کز انتظار دو چشم دلم <sup>۱۵</sup> چهار نشد
۱۷	کدام فکر من از هفت آسمان نگذشت؟	ولی چه سود که با بخت پست، یار نشد
۱۸	کدام آه که خورشید ازو سیاه نگشت؟	کدام بیم بر امید شهریار نشد؟
۱۹	کدام روز که مکروه برگزیده دهر	به تنگ سینه قطار از پی قطار نشد؟
۲۰	یسار کیست که بر دور من نگشت یمین؟	یمین کیست که بر بود <sup>۱۶</sup> من یسار نشد؟
۲۱	زبان کیست که بر فضل من گواه نگشت؟	سؤال کیست که بر علم من عیار نشد؟
۲۲	دهان کیست که بر شتم من دلیر نگشت؟	لسان کیست که بر قتل <sup>۱۷</sup> من به کار نشد <sup>۱۸</sup> ؟
۲۳	هزار سال سپس عیب این زمان گویند	که این چنین گهبری بود و نامدار نشد
۲۴	در این زمانه به نیکی کسی رسید که او	نکو نهاد و نکو خلق و نیک کار نشد
۲۵	ز شعر و علم، شکایت چرا کنم، دانم	که کس به علم و هنر، هیچ کامگار نشد
۲۶	دریغ و درد که دستم به جهل می‌نرسد	به هیچ روی کس از جهل، شرمسار نشد
۲۷	به جهل، راه بنمود <sup>۱۹</sup> این زمانه مرا	که این شکاری فربه مرا شکار نشد
۲۸	اگر چه در گیل غصه فتادهام غم نیست	ز گیل، طراوت یاقوت آبدار، نشد <sup>۲۰</sup>

- ۲۹ اگر به دیدهٔ جاهل مرا بهایی نیست ز بی‌تمیزی جهال، عقل خوار نشد  
 ۳۰ چو گل شکفت مرا جان زیاد عقل، چه باک ز آب جهل اگر قد من چنار<sup>۱۱</sup> نشد؟  
 (اوحدی بلیانی ۱، ۱۳۸۹: ۵۷۸-۵۷۶)؛ (اوحدی بلیانی ۱، ۱۳۸۸: ۵۵۵-۵۵۴)  
 (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۱۷-۱۶)

در تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین تقی‌الدین بلیانی علاوه بر قصیدهٔ شکوائیه این قصیده به همراه یک رباعی نیز به چشم می‌خورد.

منه

- ۱ دندان چه تیز کرده به قصد من آسمان؟ آخر چه لذت است درین خشک استخوان؟  
 ۲ تن را به او گذاشتم از ترس جان خویش تن را بخورد پاک و گرفته ست پای جان<sup>۲۲</sup>  
 ۳ سرد و گران مرا شده بر جان هوای تن<sup>۳۳</sup> چون مرد گرم‌سیری را باد مهرگان  
 ۴ در من اگر به چشم حقیقت نظر کنی معنی عقل بینی در لفظ غم نهان  
 ۵ در من اگر بلا موکل و بر من هوا امیر بخت سیاه زندان، و اندوه پاسبان  
 (اوحدی بلیانی ۱، ۱۳۸۹: ۵۷۸؛ اوحدی بلیانی ۱، ۱۳۸۸: ۵۵۵)  
 (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۱۷-۱۶)

### غزلی عاشقانه

این غزل در نسخه شماره ۵۰۸ طباطبایی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی درج شده است. تاکنون نسخهٔ دیگری از این غزل یافت نشده است. موضوع انتساب آن به میرفندرسکی، نیز باید تحقیق شود. با وجود جستجوی بسیار، می‌توان گفت که دست کم در میان آثار شاعران شناخته شده، چنین غزلی یافت نشده است.

میرابوالقاسم فندرسکی

- ۱ در عشق تو من منم تو من باش یک پیرهن است گو دو تن باش  
 ۲ چون جمله یکی است در حقیقت گو یک تن را دو پیرهن باش  
 ۳ نی نی که نه یک تن و نه یک جان هیچند همه تو خویشتن باش  
 ۴ جانا همه آن تو شدم من من آن توام تو آن من باش  
 ۵ ای دل به میان این سخن در مانندهٔ مرده در کفن باش  
 ۶ چون سوسن ده زبان در این سیر می‌دار زبان و بی سخن باش  
 ۷ یک رمز بگوی لیک چون گل می‌خند خوش و همه دهن باش  
 ۸ گر گویندت که عاشقی چیست؟ گو عاشق زلف پر شکن باش  
 (فندرسکی، مجلس ۵۰۸ طباطبایی: ۱۷۵-۱۷۶)

## رباعی‌ها و مفردات

ابیاتی نیز از میرفندرسکی در جنگی از قطعات نظم و نثر گردآورده میرابوالمفاخر بن فضل‌الله الحسینی شیرازی<sup>۲۴</sup> (پس از ۱۰۷۸-۹۸۸ هـ ق) - که از معاصرین میرفندرسکی است - درج شده که واجد ارزش بسیاری است زیرا به جز یک رباعی از آن، دیگر سروده‌ها در هیچ تذکره دیگری دیده نشده است. ضمن آنکه احوالات میر در هندوستان نیز در ضمن این سروده‌ها کاملاً قابل درک است. مجموعه میرابوالمفاخر بن فضل‌الله الحسینی شیرازی، به شماره ۸۵۳۶ در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این مجموعه گرانبها ضمن آنکه اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره نویسنده آن به ما می‌دهد همچنین حاوی اطلاعاتی شاذ و نادر از دوره حکومت صفویان است.<sup>۲۵</sup> بدبختانه این نسخه در حاشیه‌ها آسیب دیده و بخشی از نوشته‌های آن به همین دلیل از بین رفته است. ذیلاً هر آنچه از برگ حاوی اشعار قابل خواندن بود نقل می‌شود. هر آنچه ناخوانا بود یا به دلیل قرار گرفتن در حواشی و فرسودگی لبه‌های برگه و افتادگی آن ناخوانا بود در میان [] قرار گرفته است.

## میرابوالقاسم استرآبادی

- |            |                                   |  |
|------------|-----------------------------------|--|
| ۱          | خواهم رخت، آفتاب و مه را چه کنم   | رویت خواهم روز سیه را چه کنم             |
| ۲          | بی روی تو من زنده بمانم روزی      | در مذهب عشق این گنه را چه کنم            |
| ۳          | کافر شده‌ام به دست پیغمبر عشق     | جنت چه کنم جان من و آذر عشق              |
| ۴          | شرمنده روزگار عشقم که شدم         | درد دل روزگار و درد سر عشق <sup>۲۶</sup> |
| ۵          | مرا بر تو گناهی بتر ز عشق تو نیست | وزین گناه گذشتی ازین گناه بتر!           |
| یا علی مدد |                                   |  |
| ۶          | از سیر قلمرو هوس بودم شاد         | فارغ بودم ز سیر مصر و بغداد              |
| ۷          | شیب آمد و کار خانه‌ام بر هم زد    | فریاد ز دست شیب، یاران فریاد             |
| له         |                                   |  |
| ۸          | رزقم ز قضا به خواهش دل نرسید      | کام دلم از سپهر حاصل نرسید               |
| ۹          | زین بحر پر آشوب که طوفان خیز است  | یک کشتی آرزو به ساحل نرسید               |

- منه
- ۱۰ خواهم شیی این شرم را از چشم خود بیرون کنم  
۱۱ کاری که می آید من در عشق او این است و بس
- منه
- ۱۲ چو نرگس سر به پیش افکنده دارم  
۱۳ چو سایه ز آروزی آن کف پا
- منه
- ۱۴ چشمم نمی پذیرد نور چراغ مردم  
۱۵ با آن که همچو سرورم آزاد از زمانه  
۱۶ هرگز نگشت روشن در خانه ام چراغی
- منه
- ۱۷ در هند بسی که رای رایان دیدم  
۱۸ در کسوت مرد دیده ام زن بسیار
- منه
- ۱۹ ای بوده به قدّ و پشت و پهلوئی شتر  
۲۰ از بس که به زیر بار مردم خفتی
- منه
- ۲۱ جانی دارم به روی یاران مشتاق  
۲۲ زان گونه که دوزخی است مشتاق بهشت
- منه
- ۲۳ من شعر پرست دیدم و ساغر دوست  
۲۴ ماییم چو آب در جهان سرگردان  
۲۵ راهی داریم در مجالس لیکن  
۲۶ گر نادانی کینه بورزد با من  
۲۷ خورشید بلند را چه نقصان چه کمال
- منه
- ۲۸ از بس که گرانی این سبک در هر فن  
۲۹ من گرچه به عیب<sup>۳۰</sup> غرقه ام با [ ]
- منه
- ۳۰ ما را زغم و غصه امانی نرسد  
بی محنت و رنج نیم نانی نرسد
- وزخون اشک خویشتن پای ترا گلگون کنم  
گاهی زدل آهی کشم گاهی دل از غم خون کنم
- دلی چون گل به خون آکنده دارم  
تنی بر خاک راه افکنده دارم
- خرم نمی شود دل از گشت باغ مردم  
دارم چو لاله بر دل بسیار داغ مردم  
پروانه وار بودم گرد چراغ مردم
- در صورت بندگان خدایان دیدم  
با طبل و علم بسی گدایان دیدم
- رویی داری دراز چون روی شتر  
زانوی تو گشت همچو زانوی شتر
- چونان که بود تشنه<sup>۲۷</sup> به باران مشتاق  
در هند نشسته ام به ایران مشتاق<sup>۲۸</sup>
- بالتبع ترا به شعر مایل دیدم
- سرگردانیم همچو آب از پی نان  
چون گربه طفیلی ایم و چون سگ دربان
- نه شادی از آن<sup>۲۹</sup> فزوده گردد با من  
گر شپیره دوستش بود یا دشمن
- نامیست هوایم به زبان آورد [ ]  
خود را می کش از [ ]

- ۳۱ تا رَد نشود ز صد سگ و صد گربه از خوان جهانم استخوانی نرسد  
منه
- ۳۲ در مطبخ کابینات نار ابلیس است مستوجب لعن بی شمار ابلیس است  
۳۳ روشن سازم که وضع هستی چونست حق گنج و جهان طلسم و مار ابلیس است  
منه
- ۳۴ جان می طراود از بر روی چو ماه [او]<sup>۳۱</sup> پر تیر می شود دل و جان از نگاه او  
۳۵ آن خوی همچو دوزخ او هر چه می کند آن روی چون بهشت بود عذر خواه او  
۳۶ روشن روان بنده محمد<sup>۳۲</sup> سیاه شد از بس که کرد فکر دو چشم سیاه [او]<sup>۳۳</sup>  
منه
- ۳۷ به جان آمدم زنی کرده دا [ ] همه هرزه خند همه هرزه [ ]  
۳۸ دریده دهن های هر [ ] پذیرفتی ای کاش اندر [ ]  
۳۹ هم از کودکی یار چون [ ] [ ]  
۴۰ نشویند هرگز رخ خود ولیک پی چرک دنیا، همه مرده شو  
(حسینی شیرازی، مجلس ۸۵۳۶: ۴۸۷)

\*\*\*

در نسخه شماره: ۶۲۹ طباطبایی که در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود، این ابیات از میرفندرسکی نقل شده است:

«گفتم به لبش که تو سراسر نمکی گفتا تو چه دانی نمکش تا نمکی  
گفتم چه شود که لب نهی بر لب من گفتا که به شرط: تو لبم را نمکی»

\*\*\*

در جنگ شماره ۳۸۹ سنا؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (برگ ۱۵ ر) این ابیات از میرفندرسکی منقول است:

چون ظهور معنی اسرار حق ناگفتن است حرف عشق دوست را گفتن به از ناگفتن است  
نقل صحبت های عمر رفته کردن در جهان زاهدان در خواب خواب گفته را واگفتن است

\*\*\*

جان دهی و جان ستانی، حق چشم مست تست کز نگاهی جان ستانی، وز نگاهی جان دهی<sup>۳۴</sup>

\*\*\*

پسرانه پیشم آیی، پدرا نه بوسمت چشم چکنم پسر ندارم چکنی پدر نداری<sup>۳۵</sup>

\*\*\*

- شرب<sup>۳۶</sup> مدام شد چو<sup>۳۷</sup> میسر مدام به  
 چون می حرام گشت به ماه حرام به  
 یک بوسه از رخت ده و یک بوسه از لب  
 تا هر دو را چشیده بگویم کدام به<sup>۳۸</sup>
- (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۱)
- ما طفل مکتبیم و بود گریه درس ما  
 ای دل بکوش تا سبق خود روان کنیم<sup>۳۹</sup>
- (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۱)
- ندانم کز کجا آمد شد خلق است می دانم  
 که هر دم از سرای این جهان این رفت و آن آمد
- (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۱)
- دنیا بگذاشتم به اهل دنیا  
 الاسه چهار چیز ناچاری را
- دنیا نکنند قبول مرد دانا  
 آب رز و باده و شراب و صهها
- (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۱)

\*\*\*

در کتاب فرهنگ جهانگیری، نگاشته جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجو، که از سال ۱۰۰۴ هـ ق آغاز و به سال ۱۰۱۷ هـ ق انجام یافته است ابیاتی به نقل از میرابوالقاسم فندرسکی، درباره فندرسک آورده شده است.

فندرسک، با اول مکسور به ثانی<sup>۴۰</sup> زده و دال مکسور و راء به سین زده نام شهرست از ولایت استرآباد.

میرزا ابوالقاسم فندرسکی گفته:

چه کرد سمنان از نیکوی که شد امروز  
 به بشر مقدم فخر خدایگان صدور

ز فندرسک چه جرم آمد و چه ذلت خاست<sup>۴۱</sup>  
 که کرد ایزد بی چون از آن جنابش دور

(انجوی شیرازی، ۴۶۸۹ مجلس: ۴۷۰)

\*\*\*

این ابیات بر صفحه نخست رساله شرح ملخص فی الیهیة قاضی زاده رومی یافته شد. فهرست نگار این مجموعه، تصور کرده که چون نام میرفندرسکی در پایین عبارت: «شرعت فی مباحث مع بعض الاعزه فی العشر الثانی من شهر ربیع الآخر من سنه ۱۰۷۴» دال بر این است که میر این نسخه را مورد بحث قرار داده است. در حالی که اگر به ابیات نگاشته شده در زیر نام میرابوالقاسم فندرسکی دقت می‌کرد، متوجه می‌شد که نویسنده ابیات قصد دارد به ما بگوید، که آنها از میرفندرسکی

است. زیرا از یک قلم با دانگ مشابه برای نگارش آنها استفاده شده است. همچنین صدرالدین محمد حسینی کاتب این نسخه در بالای همین صفحه اشاره می‌کند که از روز دوشنبه ششم ماه جمادی‌الآخر سال ۱۰۷۴ احتمالاً نگارش و مطالعه آغاز شده است. بدبختانه تصویری که از کتابخانه دریافت شده به حدی کم رنگ است که به دشواری می‌توان آن را خواند. به ویژه در بیت دوم به حدس متوسل شده‌ایم.

#### میرابوالقاسم فندرسکی

یا مرا در خور تاب تو توان می‌بایست      یا تو را رحم برین سوخته جان می‌بایست  
آمدی بر سر خاک من و ترشیده شدم      کاش زمان از پی ایثار تو جان می‌بایست

(قاضی‌زاده رومی، ۸۳۴۴ ملی: ۱)

\*\*\*

#### میرابوالقاسم:

بی‌دوا چون دید حال من طیب از مرحمت [ ]

(جنگ، ۹۰۰۴/۲۶ مجلس: ۸۰)

\*\*\*

جوک باشست از جمله کتب حکمی هند است که توسط نظام‌الدین بانی‌پتی از زبان سنسکریت به فارسی ترجمه شد. کهن‌ترین نسخه‌ای که برای این تحقیق در دسترس بود نسخه شماره ۱۲۶۴۶ کتابخانه ملی ایران است که در سال ۱۰۰۶ ه ق توسط خود مترجم نوشته شده است. میرفندرسکی پیش از سفر هند در سال ۱۰۱۵ ه ق، با این اثر آشنا شد و بر آن حواشی‌ای بر اساس فهم و نگرش فلسفی و دینی خود افزود. در حاشیه اغلب نسخه‌های جوک باشست این ۴ بیت که منسوب به میرفندرسکی است، به چشم می‌خورد:

- |   |  |   |
|---|--|---|
| ۱ | همچو آب است این سخن بجهان <sup>۴۲</sup>            | پاک و دانش‌فزای چون قرآن                |
| ۲ | چون زقرآن گذشتی و اخبار                            | نیست کس را بدین نمط گفتار               |
| ۳ | جاهلی <sup>۴۳</sup> کو شنید این سخنان              | یا بدید این لطیف سرو روان <sup>۴۴</sup> |
| ۴ | تا <sup>۴۵</sup> بصورت به این نیبوند <sup>۴۶</sup> | زانکه بر ریش خویش می‌خندد               |



### اشعار کیمیایی

در انتهای برخی از نسخه‌های رساله اکسیر از مجموعه رسایل کیمیایی منسوب به میرفندرسکی نیز ابیاتی آمده است. هر چند بعید به نظر می‌رسد که این رساله از میرفندرسکی باشد، لیکن در نسخه کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، به شماره ۱۹۳۲۳/۵، رساله اکسیر را ترجمه شذورالذهب دانسته و از قول میرزا یوسف گرگانی آمده که این ترجمه از میرفندرسکی است. در رساله‌های مشابهی که با همین متن در کتابخانه مجلس آمده است، همانند نسخه شماره ۱۵۶۵۲، و ۹۱۹۸ مجلس متن را به احمد بیک یزدی منسوب ساخته و در حاشیه آورده: «رساله مکتسب است که فارسی کرده‌اند» و در نسخه خطی شماره ۱۶۳۴۶ مجلس صفحه ۵۴ رساله اکسیر را «ترجمه من مکتسب از کلام میرابوالقاسم مسمی بمورخ!» توصیف کرده و با توجه به اینکه در ابتدای رساله دستور کبریت هم همین نام میرابوالقاسم مسمی به مورخ آمده و در انتهای آن رساله جمله «نقل من خط سید الجلیل المغفور المبرور میرابوالقاسم الفندرسکی طاب ثراه و جعل الجنة مثواه» را آورده است، می‌توان دانست صاحب رساله اکسیر هم همان میرفندرسکی است و شعر نیز در انتهای رساله اکسیر دیده می‌شود. رساله کبریت و زیبقی نیز با عنوان «دستور محمد عادل اردستانی من کلام میرابوالقاسم» معرفی شده و محتملاً میرفندرسکی یا خود تألیفی در کیمیا داشته یا متنی از کیمیا را استنساخ و بعضاً ترجمه کرده است. در سایر رسایل همانند اخراج غیرمشاکل در اجزای کبریت، یا دستورالعمل کبریت، یا دستور کبریت و عناوینی مثل زیبقی و کبریت؛ تخمیریه؛ تدبیر حجر؛ ارکان اربعه در صناعت؛ زیبقی؛ رساله در کیمیا؛ بیشتر نسخه‌های موجود یادداشت‌هایی را در آغاز و انجام نسخه‌ها آورده‌اند که همگی بر وجود کتابی با موضوع کیمیا، نگاشته میرفندرسکی دلالت دارد. دو بیتی که در انتهای چند نسخه از رساله اکسیر آمده اینهاست:

بحمدالله که شد کام دل من      به توفیق الهی حاصل من

(میرفندرسکی، ۱۶۳۴۶ مجلس: ۷۲)

چون شیشه عالمی همه گردن کشیده‌اند      تا از شراب شوق که را سرخ رو کند

(میرفندرسکی، ۱۲۶۳۲/۷ مرعشی: ۱۳) و (میرفندرسکی، ۸۶۷۹/۴ مرعشی: ۳۷ پ)

بعد از آن میزان طرحش را می‌رس  
افتد<sup>۴۷</sup> و شمس<sup>۴۸</sup> و قمر آید برون  
قطره بر قطار بلکه بیشتر  
از قضای کردگار و از قدر

(الفندرسکی، ۱۵۶۵۲ مجلس: ۱۲۹)؛ (میرفندرسکی، ۱۵۳ س س مجلس: ۱۷۹)

### قصیده کیمیایی

[۴] من کلام میرفندرس[ک] <sup>۴۹</sup> علیه الرحمه

- ۱ هر که گشاد و بسته راه باز گشاد و بسته کرد
  - ۲ نر بکند به ماده او، ماده کند به نر چه <sup>۵۱</sup> جفت
  - ۳ گه تن مرده را کند، همچو <sup>۵۲</sup> مسیح زنده او
  - ۴ رومی روز را کند، چون شب زلف زنگیان
  - ۵ صیف شتاء<sup>۵۵</sup> را در او، گاه ربیع گه خزان
- و له ایضاً
- ۶ آب آتش فعل ما، آب روان را لنگر است
  - ۷ تا زمین ما هوا شد، شد هوای ما زمین
  - ۸ زین زمین و آب اگر روید درختی در نگر
- ایضاً
- ۹ جستن گوگرد احمر عمر ضایع کردن است
  - ۱۰ رو بگردان بهر زیبق نزد عطاران مرد
  - ۱۱ مایه اکسیر شمس باشد اندر چهار چیز
  - ۱۲ چون کنی این چهار را تدبیر پنج حاصل شود
  - ۱۳ [۵] این عمل اخت النبوه رأس دنیا باشد این
  - ۱۴ حق تعالی ابتدا فرموده<sup>۵۷</sup> بر آدم عطا
  - ۱۵ بندگان<sup>۵۸</sup> خاص خود را هم نماید این نصیب
  - ۱۶ طالب این علم می‌باید<sup>۵۹</sup> که او صادق بود
  - ۱۷ نیست گوگرد نباشد زیبق زینها چه بود
  - ۱۸ زیبق و گوگرد بازاری، گر اکسیری شدی
  - ۱۹ طلق الحال<sup>۶۱</sup> است فرارات<sup>۶۲</sup> برق و آب او
  - ۲۰ مایه اکسیر شمس باشد، اندر چهار چیز
- و له ایضاً
- ۲۱ بستان حجر حکیم ای طالب حق
  - ۲۲ حل ساز به نار حکمت آن را و ببند<sup>۶۳</sup>

(میرفندرسکی، ۳۷۷۸ دانشگاه تهران: ۴-۵)

\*\*\*

## شاعرانگی در حاشیهٔ تحریر مجسطی

دو نسخه از تحریر مجسطی در کتابخانه ملی به شماره‌های ۱۹۲۴۷ و ۱۶۵۲۰ نگه‌داری می‌شود که کتابت آنها به میرفندرسکی نسبت داده و در صفحات اول هر دو نسخه این انتساب ذکر شده است. علی‌رغم تفاوت خط متن، و سطر بندی و ابعاد سطور و کاغذ، خط حواشی به ویژه اشعاری که در حاشیهٔ صفحات نوشته شده یکسان است. چنانچه محتوای اشعار هم متعلق به میرفندرسکی باشد، باید گفت بی‌گمان کاتب حواشی هر دو نسخه هموست. همچنین با توجه به شباهت خط حاشیه با متن نسخهٔ ۱۹۱۴۷ و یادداشت انتساب کتابت نسخه به میرفندرسکی می‌توان چنین مدعایی را درست دانست. اما قطعاً از برگ ۳۷ به بعد این نسخه، خط میرفندرسکی نیست. در مورد نسخهٔ ۱۶۵۲۰ ادعای انتساب کتابت متن صحیح است ولی از صفحه ۲۵۵ تا پایان نسخه یعنی صفحه ۲۶۹ قطعاً به خط میر نیست. ضمن آنکه تاریخ کتابت انتهای صفحه ۲۶۹ به سال ۱۲۰۰ اشاره می‌کند که حدود ۱۵۰ سال پس از وفات میرفندرسکی است. احتمالاً این نسخه به دلیل نقص و کاستی صفحات آخر، توسط کاتب دیگری تکمیل شده است و تاریخ انتهای نسخه، مشعر به این تاریخ اتمام صفحات تکمیلی است نه صفحات پیش از ۲۵۵. در حاشیهٔ بالای صفحهٔ ۳۶ تحریر مجسطی شماره ۱۹۱۴۷ این رباعی نوشته شده است:

«لأنم که کریمی و کریمی کرم است عاصی ز چه رو برون ز باغ ارم است

با طاعتم ار ببخشی آن نیست کرم با معصیتم اگر ببخشی کرم است»

این ابیات به احتمال زیاد سرودهٔ کاتب آن است، زیرا در آثار دیگر شعرا چنین

رباعی‌ای یافت نشد. سنایی قصیده‌ای با ردیف «مست» دارد با این مطلع:

«زیرکان را ز در عالم و شاه / وقت گرم است نه وقت کرم است» دارد. (نک:

سنایی، دیوان اشعار، قصاید: ۲۱). همچنین جلال‌الدین بلخی در دیوان شمس غزلی با این

مطلع دارد:

«هر که بالاست مر او را چه غم است / هر کی اینجاست مر او را چه غم است»

(نک: دیوان کبیر، غزلیات: ۴۳۵).

احتمالاً شاعر از این اشعار ملهم شده است (طوسی، نخ: ۱۹۱۴۷-۵).

در برگ (ار) نسخه شماره ۱۶۵۲۰ یک رباعی که ظاهراً فی البداهه سروده و در بالای صفحه با خطی نستعلیق نه چندان زیبایی نوشته شده است:

«روی و دهان و چشم و زخندان آن صنم از من ربود جان و دل و شادی و الم  
(دو رسن) (از)

از زلف بهر من رسنی تافت از بلا در چشم بهر من دو قدح ساخت بر رسم»  
دلیل فی البداهه بودن این رباعی کلماتی است که بالا یا پایین کلمات قبلی نوشته شده و ما آن را داخل کمان آورده‌ایم. کلمه «رسم» در انتهای مصرع دوم از بیت دوم به معنی «چاه آب پنهان کرده در خاک» و «نشان یا بقیه آن»، «مهر نهادن» و «ناپیدا شدن نشان» است (نک: دهخدا). در پایین همین برگ با خط نستعلیق خوش — که با خط سایر حواشی و متن تفاوت دارد — این ابیات را نوشته‌اند:

یا علی  
بر سر نقد حیانتت به ما<sup>۶۴</sup> خصمی چرخ گنج جان سخت بلائست به ویرانه جان  
و له  
چون شوق سراسیمه بی تحمل مقصود از بس که دویدیم بیابان گله دارد

اصل این ابیات یا منشاء آن را نیافتیم. احتمالاً از سروده‌های کاتب نسخه باشد که بعداً توسط مالک یا مالکین نسخه بدان افزوده شده باشد. زیرا بیت دوم را با «و له» ادامه می‌دهد. از حیث مضمون و قالب به اشعار میرفندرسکی می‌ماند. در برگ (اپ) نیز با همان خط ابیات نخستین، و دنباله آن اشعار این ابیات درج شده است:

(برجان و دل همی)  
«رویش چو جان و دل نیکو پی بود چرا از روی او به جان<sup>۶۵</sup> و دل می‌رسد ستم  
کارم به آن کشید که بگذاشتم به او<sup>۶۷</sup> عمری که داشتم ز جهان هست بیش و کم  
(سپارم)

عمر منست و عمر گزارم همی به او<sup>۶۸</sup> چون عمر را به عمر سپارم مرا چه غم  
(حسن)

چون حرف عشق به زبان قلم دهم<sup>۶۹</sup> جانم ز رشک عشق بگیرد ببندد<sup>۷۰</sup> لب قلم»  
بی گمان سرودن اشعار حین‌التحریر صورت گرفته است زیرا شاعر کلمات و ترکیبات تازه‌تری را بر بالای برخی ابیات نگاشته است. مثلاً در مصرع دوم بیت

نخست ابتدا آورده است: «از روی او به جان و دل می‌رسد ستم»، سپس بالای کلمات «از روی او به‌جان» نوشته «بر جان و دل همی» که ظاهراً مقصود این بوده است که مصرع را به شکل: «بر جان و دل همی ز روی او رسد ستم» اصلاح کند. مضمون «چون عمر را به عمر سپارم مرا چه غم» نیز بسیار زیبا و دلنشین است. (طوسی، نخ: ۱۶۵۲۰-۵).

در بالای برگ (۳۷ پ):

«می شربت تریاک دل تنگ بود آن زهر بود که مایهٔ جنگ بود»  
در بالای برگ (۳۸ ر):

«می صاف و هوا صاف و چنین آبی صاف گر دل نشود صاف مگر سنگ بود»  
در بالای برگ (۳۹ ر):

«آن که به صد<sup>۶۱</sup> امید پایست توام آنم که ز بعد نیستی هست توام»  
در بالای برگ (۴۰ ر):

«گر بنده به مستی بدیی کرد بیخ<sup>۶۲</sup> بد بندهٔ بد کردهٔ بد مست توام»  
در بالای برگ (۴۰ پ):

«وین فصل بهارست چون شد یار آتش بر زهد خنک به باد<sup>۶۳</sup> بگمار آتش»  
در سمت راست همین صفحه:

«بودیم عدم پیشتر از روی زمین دارد چون به از پیشتر اکنون ما را

در بالای برگ (۴۱ ر):

«می آب روان شمر، مغانی بلبل شب ابر، چمن جرگه و گلزار آتش»  
در سمت چپ همین صفحه:

«در پردهٔ ساز پرده‌سوزی از کیست؟ وندر دل جام دلفروزی از کیست؟  
بد روزی تست گویی از خوردن می بد روزیم از چیست روزی از کیست؟»

منشاء هیچ‌یک از ابیات مذکور را یافت نشد. لذا احتمال داده می‌شود یا میرفندرسکی به نسخه‌ای خاص از خیام دسترسی داشته که امروز مفقود شده، یا آنها سرودهٔ طبع خود او است. به هر حال جستجوی بیشتری می‌طلبد.

ادامه برگ (۲۷۲ پ):

#### رباعیه

شمع که به شب<sup>۷۴</sup> چشم مرا خفتن نیست کار مژدهام به جز<sup>۷۵</sup> گهر سفتن نیست  
با آن که زبان آتشین هست مرا می‌سوزم و پروای سخن گفتن نیست

#### اخری

ای شمع به هرزه<sup>۷۶</sup> چند بر خود خندی تو سوز دل مرا کجا مانندی  
فرق است<sup>۷۷</sup> میان سوز گر جان خیزد با آنکه به ریسمانش<sup>۷۸</sup> بر خود بندی

منشاء این رباعیات را نیز یافت نشد. احتمالاً از سروده‌های خود کاتب یعنی میرابوالقاسم فندرسکی است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. این قصیده در مقاله‌ای دیگر از همین نگارنده، با مراجعه به نسخ کهن تصحیح و منتشر شده است. لیکن تاکنون اقدامی علمی برای شناسایی و نشر غزل‌ها، رباعی‌ها، قطعات و مفردات او صورت نگرفته است. در مقاله دیگری به طور مفصل و بر اساس مدارک و مستندات به موضوع سفر میرفندرسکی به هند سخن خواهیم گفت. به ویژه آنچه میان میر و آصف‌خان گذشته است و همچنین موضوع بازگرداندن او به ایران.
۲. وزیر بسیار مقتدر دربار جهانگیر و شاه‌جهان (نک: محتبایی، ۱۳۷۷: ۵۹۸؛ نیز رازی ۲، ۱۳۷۸: ۱۲۴۷-۱۲۴۶).
۳. رعایت: پاسداشت حقوق (دهخدا)، موضوع بازگشت میر را در نخستین سفرش به هند در مقاله دیگری بررسی کرده‌ایم.
۴. در واقع او را باید نخستین ویراستار کتاب دانست که آن را بر حسب اتفاق در سیل شوشتر به دست آورد و تحت نظر اساتید و کارفرمایش به مرتب کردن و بازنویسی و شرح و بسط کتاب بندرا بن داس پرداخت.
۵. حاج محمد حسن نائینی مرید حاج عبدالوهاب نائینی و او مرید میرمحمد تقی شاهی و او مرید شیخ محمد مؤمن استری سبزواری است.
۶. از نسخه‌های حاوی اشعار میرفندرسکی که در فهرست‌ها مذکور نبود، در این پژوهش بسیار بهره برده شده است. همچنین از میان نسخه‌هایی که در فهرست‌ها حاوی اشعار میر دانسته شده است، می‌توان از نسخه خطی به شماره ۱۶۳ طباطبایی در کتابخانه مجلس نام برد.
۷. از مخطوطات ردیف‌های ۸، ۱۴ و ۲۲ نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های کشور موجود است و این سه نسخه به دلیل در دسترس بودن معرفی شده است و به این معنی نیست که فقط همین سه نسخه حاوی اشعار میرفندرسکی هستند.
۸. نخ ۷: چو جهل هست مرا یار روزگار نشد.
۹. نخ ۷: ز روزگار چه نالم چو جهل یار نشد.
۱۰. نخ ۷: چو استوار بایستاد لشکر دانش.
۱۱. نخ ۷: دگر سپاه طرب پای استوار نشد؛ نخ ۷: + کدام واقعه را و کدام حادثه را / که می‌گریختم از وی به من دوچار نشد؟!

۱۲. ب: ز روز کاوی بنیان، (پانویس ب: M ز روز شادی چنان).
۱۳. ب: جمله.
۱۴. الف: (س، ب: ره هر دیار)، (متن مطابق نخ ی تصحیح شده است)؛ ب: به هر دیار.
۱۵. ی: دو چشمم به در.
۱۶. ب: جور
۱۷. ب: غل
۱۸. الف: (ب: بر ذل من فگار نشد)؛ ی: (بر [نفی] من به کار نشد)
۱۹. ب: نینمود
۲۰. نخ ۷: اگر میانه جاهل چو گوهرم در کل / زکل طراوت یاقوت آبدار نشد!
۲۱. الف، نخ ی: بهار.
۲۲. ک: دندان چه تیز کرده به قصد من آسمان / آخر چه لذت است درین خشک استخوان / تن را به او گذاشتم از ترس جان خویش / تن را بخورد پاک و گرفته است پای جان؛ ی: - بیت ۱ و ۲.
۲۳. ی: بر تن هوای من.
۲۴. ابوالمفاخر بن فضل الله الحسینی سوانح نگار تفرشی، همراه برادرش محمدحسین از شاگردان میرزا ابراهیم حسینی همدانی هستند و او نیز شاگرد میرفخرالدین سماکی استرآبادی معروف به محقق فخری است. از آثار ابوالمفاخر تاریخ شاه صفی است که در آن رویدادهای مربوط به دربار صفی را از ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ با انشایی پر تکلف ثبت کرده است (نک: الحسینی، ۱۳۸۸: مقدمه). شگفت این است که ابوالمفاخر در کتاب تاریخ شاه صفی خود هیچ اشاره‌ای به میرفندرسکی نمی‌کند و از میان دانشمندان و حکمای دوره صفوی فقط به ذکر نام و واقعه سفر به عتبات و رحلت میرداماد و شیخ بهایی بسنده کرده است.
۲۵. محقق و مصحح محترم کتاب تاریخ شاه صفی ظاهراً از این نسخه آگاهی نداشته است. زیرا می‌گوید که از زندگانی ابوالمفاخر حسینی اطلاعات کافی در دست نیست. در حالی که این نسخه اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار می‌نهد و احتمالاً می‌تواند حاوی یادداشت‌هایی باشد که برای نگارش تاریخ مذکور استفاده شده است (نک: ابوالمفاخر الحسینی، ۱۳۸۸: مقدمه مصحح).
۲۶. الف: کافر شده‌ام به دست پیغمبر عشق / جنت چه کنم؟ جان من و آذر عشق / شرمنده ز عشق و روزگارم\* که شدم؟ / درد دل روزگار و درد سر عشق؛ ب، (مصرع ۲، بیت ۴): درد دل روزگار / درد سر عشق؛ نخ ک: کافر شده‌ام به دست پیغمبر عشق / جنت چه کنم جان من و آذر عشق / شرمنده عشق و روزگارم که شدم / درد دل روزگار و درد سر عشق.
۲۷. در اساس «گشته» نوشته شده که احتمالاً خطای کاتب است (تصحیح قیاسی).
۲۸. ملا محمد صوفی نیز سرنوشتی چون میرفندرسکی داشت و در یکی از غزل‌هایش می‌گوید: مشکل حکایتی است من سال‌خورده را / که ایام عمر من شد آغازم آرزوست / بر من شده است کشور هندوستان قفس / به ملک ایران پروازم آرزوست / طبع من از محمد صوفی ملول شد / یک یار رند خانه براندازم آرزوست (حسینی شیرازی، مجلس ۸۵۳۶: ۴۸۷).
۲۹. اساس: ارالی!؛ در اصل خوانا نیست به قرینه معنوی و صوری اصلاح شد (تصحیح قیاسی).
۳۰. اساس: بعیب.
۳۱. اساس: وی.
۳۲. معمولاً وقتی نامی به این شکل در ابیات نهایی یک شعر می‌آید، یادآور نام یا تخلص شاعر آن است. اگر صحت انتساب این ابیات به میرفندرسکی صحیح باشد، احتمالاً می‌توانیم نتیجه بگیریم که نام او باید سیدمحمد فندرسکی ملقب به میرابوالقاسم باشد. زیرا افندی هم در ریاض‌العلماء

تذکره او را در بخشی آورده است که نام افراد شناخته نیست و تنها به کنیه شناخته می‌شوند. اما رازی طهرانی در نسخه خطی شماره ۱۳۵۹۲ مجلس، این ابیات را به ملامحمد صوفی نسبت و این احتمال را در معرض سستی و بی‌بایگی قرار می‌دهد (نک: پانویس بعدی). این نکته نیز قابل ذکر است که ابوالفاجر، ملامحمد صوفی را می‌شناخته و از او ابیاتی را در صفحات ۱ و ۴۸۰ همین مجموعه، آورده است. این موضوع که چرا این ابیات به میر نسبت داده شده است، نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

۳۳. در تذکره شعر/ تألیف حسن بن لطف‌الله طهرانی رازی که به سال ۱۰۰۷ ه ق، که در احمدنگر از توابع دکن کشور هند نگاشته شده است، این ابیات کامل تر و با کمی تغییر، همراه سروده‌های دیگری به «لامحمد» نسبت داده شده است. جان می‌طراود از بر و روی چو ماه او/ پر تیر می‌شود دل جان از نگاه او/ از بس که جان زنده دلان پایمال شود/ آب حیات می‌چکد از خاک راه او/ آن خوی همچو دوزخ او هر چه می‌کند/ آن روی چون بهشت بود عذرخواه او/ اندیشه کن ز سوز دل ما که ناگهان/ روزت سیاه گردد از دود آه او/ روشن روان بنده محمد سیاه شد/ از بس که کرد فکر دو چشم سیاه او (نک: رازی طهرانی، ۱۳۵۹۲ مجلس: ۹۵). با توجه به این که در صفحه ۹۲، ابیاتی نغز را از ملامحمد صوفی آورده است، محتملاً این ملا محمد نیز همان صوفی باشد. از آنجا که میرفندرسکی سروده‌های خود را در هند سروده است احتمال دارد پیش از این ابیاتی از ملامحمد صوفی را در خاطر سپرده و مناسب حال در میان اشعار خود آورده باشد. بدیختانه منبعی که ابوالفاجر حسینی، اشعار میرفندرسکی را از آن نقل و در جنگ خود استنساخ کرده است، بر ما شناخته شده نیست.

۳۴. ک: جان دهی و جان ستانی داده حق چشم ترا/ کز نگاهی جان ستاند و ز نگاهی جان دهد.

۳۵. ک: پسرانه پیشم آبی پدرانه بوسمت روی/ چه کنم پدر نداری چه کنم پسر ندارم؛ نخ ۱۴: پسرانه پیشم آبی، پدرانه بوسمت رخ/ چه کنی پدر نداری، چه کنم پسر ندارم!؟

۳۶. ک: شربت؛ نخ ۱۷، نخ ۱۴: شرب

۳۷. ک: که؛ نخ ۲۰، نخ ۱۴: چو

۳۸. نخ ۲۸: - بیت دوم

۳۹. نخ ۲۸: کنیم؛ نخ ۱۱: کنم

۴۰. نخ ۳۴: بسین

۴۱. نخ ۳۵: خواست

۴۲. نخ ۳۰: این سخن هست همچو آب روان

۴۳. نخ ۳۰: ابلهی

۴۴. نخ ۳۰: بنان

۴۵. اساس (در متن: «جز» بوده که اصلاح شده است)، نخ ۳۰: جز

۴۶. نخ ۲۹، نخ ۳۰، نخ ۳۱، نخ ۳۲ و نخ ۳۳: نه پیوند

۴۷. نسخه ۱۵۳ س س: اوفند

۴۸. نسخه ۱۵۳ س س: - و

۴۹. اساس: منکلام میرفندرس

۵۰. اساس: هم چه

۵۱. چو را چه نگاشته است

۵۲. اساس: هم چه

۵۳. اساس: - که: به دلیل نقص در وزن افزوده شد

۵۴. اساس: چه

۵۵. اساس: شیاء



۵۶. اساس: وحم  
 ۵۷. اساس: فرموده  
 ۵۸. اساس: بنده‌گان  
 ۵۹. اساس: ميبايد  
 ۶۰. اساس: ياشه / ماشه / باشه؛ درست خوانده نمی‌شود، به قرینه معنایی تصحیح شد.  
 ۶۱. اساس: اتحاك هم خوانده می‌شود زیرا بالای الحال هم نقطه گذاشته است و هم سرکش.  
 ۶۲. اساس: فرار است هم خوانده می‌شود؛ به قرینه معنایی تصحیح شد.  
 ۶۳. اساس: به بند  
 ۶۴. اساس: بما  
 ۶۵. اساس: بجان  
 ۶۶. اساس: بآن  
 ۶۷. اساس: باو  
 ۶۸. اساس: باو  
 ۶۹. اساس: بزبان  
 ۷۰. اساس: به‌بندد  
 ۷۱. اساس: بصد  
 ۷۲. اساس: به بخش  
 ۷۳. اساس: بياده  
 ۷۴. اساس: بشب  
 ۷۵. اساس: بجز  
 ۷۶. اساس: بهرهزه  
 ۷۷. اساس: فرقت  
 ۷۸. اساس: بریسمانش

## منابع

## نسخ خطی

۱. آذر بیگدلی، لطفعلی بن آقاخان، *آتشکده آذر*، نسخه خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره نسخه: ۱۴۶۶۸.
۲. آذر بیگدلی، لطفعلی بن آقاخان، *آتشکده آذر*، نسخه خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره نسخه: ۱۸۲۱۲.
۳. اردستانی، محمد عادل، *المفاتیح المتعلقة بعلم الكیمیا و الاکسیر*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۵۳.
۴. اردستانی، محمد عادل، *مجموعه منتخب از کتب و رسائل کیمیا*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۶۳۴۶.
۵. انجوی شیرازی، جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن. (شماره نسخه: ۱ س.). فرهنگ جهانگیری. نسخه خطی؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. انجوی شیرازی، جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن. (شماره نسخه: ۴۶۸۹). فرهنگ جهانگیری. نسخه خطی؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۷. اوحدی حسینی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره نسخه: ۴۴۸۰.
۸. اوحدی حسینی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، نسخه خطی، کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره نسخه: ۵۳۲۴.
۹. بی‌نام، *جنگ اشعار*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره نسخه: ۱۰۶۹۸.
۱۰. بی‌نام، *جنگ اشعار*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۳۷۷۷.
۱۱. بی‌نام، *جنگ شعرهای فارسی*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره نسخه: ۷۵۳۶.
۱۲. بی‌نام، *جنگ نظم و نثر*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۹۰۰۴.
۱۳. تبریزی اصفهانی، ابوطالب خان، *خلاصه الافکار: در ذکر احوال شعرا با برخی شعرهای آنان*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۳۰۶.
۱۴. الحسنی الحسینی الفراهانی، ابوالقاسم بن عیسی، *مجموعه رساله عروضیه و غیره*، کتابخانه، نسخه خطی، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۴۹۴۸/۵.
۱۵. الحسینی شیرازی، میرابوالمفاخر بن فضل‌الله، *جنگ نظم و نثر*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۸۵۳۶.
۱۶. حسینی، محمد شفیع بن بهاء‌الدین محمد، *جنگ، نوشته‌های ادبی به زبان‌های عربی و فارسی*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره نسخه: ۴۶۱۴.
۱۷. سیستانی، حسین بن غیاث‌الدین محمد، *تذکره خیرالبیان*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۹۲۳.
۱۸. صوفی، علی محمد، *جنگ مطالب متفرقه*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۶۳ طباطبایی.
۱۹. طباطبایی، *الفقهیه المستطرفه*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۶۲۹ طباطبایی.
۲۰. طهرانی رازی، حسن بن لطف‌الله، *تذکره و جنگ شعر*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۳۵۹۲.
۲۱. طوسی، نصیرالدین، *تحریر مجسطی*، نسخه خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره نسخه: ۱۶۵۲۰.
۲۲. طوسی، نصیرالدین، *تحریر مجسطی*، نسخه خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره نسخه: ۱۹۱۴۷.
۲۳. عذری بیگدلی، اسحق بیگ، *تذکره شعرا (تذکره اسحاق، الفتکده، الفت‌نامه)*، نسخه‌های خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه‌ها: ۷۲۶۱، ۵۷۰۳، ۳۱۰۵، ۸۹۷ ۸۷۸۶.
۲۴. عذری بیگدلی، اسحق بیگ، *تذکره اسحق بیگ*، نسخه خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره نسخه: ۱۹۲.
۲۵. فندرسکی استرآبادی، میرابوالقاسم و دیگران، *مجموعه دراکسیر*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۵۶۵۱.

۲۶. فندرسکی استرآبادی، میرابوالقاسم، اکسیر، نسخه خطی، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۱۲۶۳۲.
۲۷. فندرسکی استرآبادی، میرابوالقاسم، رساله اکسیر یا ترجمه شادورالذهب، نسخه خطی، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره نسخه: ۱۹۳۲۳.
۲۸. فندرسکی استرآبادی، میرابوالقاسم، شعرهای کیمیایی فارسی، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره نسخه: ۳۷۷۸.
۲۹. فندرسکی استرآبادی، میرابوالقاسم، اکسیر، نسخه خطی، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۸۶۷۹.
۳۰. فندرسکی، میرابوالقاسم، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۵۰۸ طباطبایی.
۳۱. فندرسکی، میرابوالقاسم، طریق عمل حکما بتدبیر، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۹۱۹۸.
۳۲. قاری، ابوالقاسم، نظم الالکی فی تجوید کلام الله المتعالی، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره نسخه: ۳۰۹۱/۱.
۳۳. قاضی زاده رومی، موسی بن محمود، شرح ملخص فی الهیئة، نسخه خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره نسخه: ۸۳۴۴.
۳۴. کیانی سیستانی، شاه حسین، تذکره خیرالبیان، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۹۲۳.
۳۵. مازندرانی، محمدتقی بن محمد هادی، جنگ نظم و نثر، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۳۸۹ سنا.
۳۶. نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۳۰۱۶.
۳۷. هدایت، رضاقلی بن محمد هادی، ریاض العارفین، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۵۰۵۹.
۳۸. همدانی، علی محمد بن احمد، زیة المنتخبین، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۳۵۷۸.
۳۹. بانی پتی، نظام الدین، جوک باشست، نسخه خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره نسخه: ۱۲۶۴۶.
۴۰. بانی پتی، نظام الدین، جوک باشست، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۷۲۴۳.
۴۱. بانی پتی، نظام الدین، جوک باشست، نسخه خطی، کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره نسخه: ۲۵۶۷.
۴۲. بانی پتی، نظام الدین، جوک باشست، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۳۰۳۵.
۴۳. بانی پتی، نظام الدین، جوک باشست، نسخه خطی، کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره نسخه: ۴۰۵۷.

## چاپ سنگی

۴۴. نوری هدایت، رضاقلی بن محمد هادی، روضة الصفای ناصری، جلد ۶، ۷ و ۸ در یک مجلد، تهران، چاپخانه جدید دارالخلافه، ۱۲۷۰ ه.ق.

### نسخه‌های چاپی

۴۵. اوحدی حسینی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، تصحیح: ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد، انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۸ جلد، تهران، ۱۳۸۹.
۴۶. اوحدی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، مقدمه، تصحیح و تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، ۷ جلد، تهران، ۱۳۸۸.
۴۷. بیگدلی شاملو، لطفعلی بیگ بن آقاخان متخلص به آذر، *آتشکده*. بخش دوم، با تصحیح و تحشیه و تعلیق: حسن سادات ناصری، مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۸.
۴۸. الحسینی سوانح نگار تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله، *تاریخ شاه صفی*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محسن بهرام‌نژاد، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۸.
۴۹. خوشگو، بندرا بن داس، *سنبیه خوشگو*، تصحیح کلیم اصغر با همکاری و ویراستاری علمی مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۲ جلد، تهران، ۱۳۸۹.
۵۰. درایتی، مصطفی، *فهرستواره دستنوشته‌های ایران «دنا»*، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۲ جلد، تهران، ۸۹-۱۳۸۰.
۵۱. درایتی، مصطفی، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران «فنخا»*، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۳۸ جلد، تهران، ۹۳-۱۳۹۰.
۵۲. گلچین معانی، احمد، *کاروان هند*، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، جلد ۱، مشهد، ۱۳۶۹.
۵۳. مدرس، محمدعلی، *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب (کنی و القاب)*، انتشارات خیام، ۸ جلد؛ تهران، ۱۳۷۴.
۵۴. معصوم شیرازی، محمد، *طرائق الحقایق*، تصحیح: محمدجعفر محجوب، کتابخانه بارانی، ۳ جلد، تهران، ۱۳۴۹.
۵۵. نصرآبادی، محمدطاهر، *تذکره نصرآبادی: تذکره الشعرا*، تصحیح و تحشیه: محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۸.
۵۶. هدایت، رضاقلی بن محمد هادی، *مجمع الفصحاء*، به کوشش: مظاهر مصفا، انتشارات امیرکبیر، (دو جلد در شش بخش)، ۶ مجلد، تهران، ۱۳۸۱.
۵۷. هدایت، رضاقلی بن محمد هادی، *تذکره ریاض العارفین*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
۵۸. واله داغستانی، علیقلی خان، *تذکره ریاض الشعرا*، تصحیح: محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، ۵ جلد، تهران، ۱۳۸۴.
۵۹. واله داغستانی، علیقلی خان، *تذکره ریاض الشعرا*، تصحیح، مقدمه و فهرست‌ها: ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ جلد، تهران، ۱۳۹۱.

### مقاله

۶۰. گسواهی میرفندرسکی، زهرا، «میرابوالقاسم میرفندرسکی»، در: *مشکوٰة (مجله)*، مؤسسه پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، شماره ۲۹، مشهد، ۱۳۶۹.